
بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه مقابله ای متون تخصصی

«علوم اقتصادی»

گردآورنده: سوسن مستوفیان

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مترجم

از آنجا که بشر همواره در جهت رفع نیازهای مادی خود به کار و تلاش مشغول بوده است، لاجرم همواره با اقتصاد نیز سر و کار داشته است. از طرفی، چون این عرصه تنها به مرزهای ملّی محدود نشده و پیوندی ناگسستنی با ملل و جوامع علمی دیگر کشورها دارد علاقمندان این رشته در تکاپو برای یادگیری بیشتر و دسترسی به منابع غنی‌تر نیاز به فراگیری زبان تخصصی را بیش از پیش احساس می‌کنند.

این کتاب که در ۲۵ فصل گردآوری شده است عمدتاً به تعاریفی از کلیّات و اصول علم اقتصاد پرداخته که دانستن آنها برای همه‌ی داوطلبان و دانشجویان رشته‌ی اقتصاد ضروری است. کتاب سپس به بررسی مختصر نظام‌های اقتصادی جوامع مختلف پرداخته و این مبحث را با بر شمردن مزایای نظام اقتصادی اسلام بر دیگر نظام‌ها به پایان برده است.

اگر نگارنده توانسته باشد با ترجمه‌ی مقابله‌ای کتاب حاضر قدمی، هرچند ناچیز، در راه یادگیری بهتر داوطلبان علاقمند به ادامه‌ی تحصیل در این رشته بردارد، خشنود و شاکر پروردگار بزرگ خواهد بود که به واسطه‌ی انتشارات محترم ارشد، این امکان را برای او فراهم آورد.

در انتها، ضمن پوزش از اساتید و خوانندگان محترم بـه جهـت وجـود خطاهـای احتمـالی، آمـاده‌ی دریافـت انتقـادات ارزشمند ایشان هستم.

با تشکر،

سوسن مستوفیان

فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

SECTION 1: ECONOMICS 7
SECTION 2: ECONOMIC PROBLEMS 13
SECTION 3:ROLE OF ECONOMISTS 19
SECTION 4:THE FUNCTIONS OF MONEY 26
SECTION 5: MACROECONOMICS 31
SECTION 6: MACROECONOMIC POLICY 40
SECTION 7: AGGREGATE DEMAND-SUPPLY 47
SECTION 8:THE THEORY OF LABOR SUPPLY 53
SECTION 9: DISTRIBUTION OF EMPLOYMENT 59
SECTION 10: EQUILIBRIUM AND DISEQUILIBRIUM UNEMPLOYMENT 67
SECTION 11: DEMAND 73
SECTION 12: SELF- INTEREST: KEY TO ALL CHARACTERS 78
SECTION 13: DEMAND ESTIMATION AND REGRESSION ANALYSIS 84
SECTION 14: U.S AND U.K. RANKING SYSTEMS 89
SECTION 15: COMMERCIAL BANKING 96
SECTION 16: MONOPOLISTIC COMPETITION 102
SECTION 17: MONETARY THEORY 108
SECTION 18: INTERNATIONAL ECONOMICS 113
SECTION 19: DETERMINATION OF THE EXCHANG RATE 120
SECTION 20: THE ECONOMIC DEVELOPMENT OF THE POOR COUNTRIES 127
SECTION 21: THE NEED FOR INVESTMENT CRITERIA IN LDC_S 132
SECTION 22: GREEN REVOLUTION 138
SECTION 23: THE NEW INTERNATIONAL ECONOMIC ORDER 143
SECTION 24: ECONOMIC SYSTEM IN ISLAM 148
SECTION 25: ECONOMIC GROWTH IN ISLAM 155

Section 1: Economics

Economics

One way to define the scope of economics is to say that it is the social science that deals with such problems. Fifty years ago such all – embracing definitions were popular. Perhaps the best known was Alfred Marshall's : "Economics is a study of mankind in the ordinary business of life." Because economic problems have certain common features, one may, by looking at them, arrive at a more penetrating definition.

The problems of economics arise out of the use of scarce resources to satisfy unlimited human wants. Scarcity is inevitable and is central to economic problems.

اقتصاد

یکی از راه های تعریف اقتصاد این است که بگوئیم اقتصاد علم الاجتماعی است که با مسائل اجتماعی سروکار دارد. پنجاه سال پیش چنین تعاریف فراگیری رایج بودند. شاید بهترین آنها تعریف آلفرد مارشال بود: " اقتصاد مطالعه‌ی نوع بشر درجریان عادی زندگی است." از آنجائی که مسائل اقتصادی خصائص مشترک معینی دارند، با نگاه به آنها، می توان به تعریف نافذتری رسید.

مشکلات اقتصاد نشأت گرفته از استفاده‌ی منابع کمیاب برای رفع نیازهای نامحدود بشر است. کمبود اجتناب ناپذیراست و از اهمیتی محوری در مسائل اقتصادی برخوردار است.

define	تعریف کردن	arise out of	نشأت گرفتن از
scope	گستره، طیف	scarce	کمیاب ، نادر
all-embracing	فراگیر		
popular	رایج		
mankind	نوع بشر		
features	خصائص		
penetrating	نافذ		
deal with	سروکارداشتن، پرداختن به		
ordinary	عادی		

What are society's resources? Why is scarcity inevitable? What are the consequences of scarcity? A society's resources consists of the free gifts of nature, such as land, forests, and minerals; human resources, both mental and physical; and all sorts of manufactured aids to further production, such as tools, machinery, and buildings. Economists call such resources **factors of production** because they are used to produce those things that people desire. The things produced are called **commodities.** Commodities may be divided into goods and services. *Goods* are tangible (e. g., cars or shoes) , and *services* are intangible (e.g., haircuts or education). Notice the implication of positive value contained in the terms *goods* and *services*. (Compare the terms *bads* and *disservices*.)

منابع جامعه چه جیزهـایی هـستند؟ چـرا کمبـود اجتناب ناپذیر اسـت؟ عواقـب کمبـود چـه چیزهـائی هستند؟ منابع یک جامعه مواهـب رایگـان طبیعـت ، نظیر زمین، جنگلها و معادن ؛ منابع انسانی، اعـم از معنوی و مادی و همه نوع حمایـت هـای بـه عمـل آمده برای محصول بیشتر، نظیر ابزار، ماشین آلات، و ساختمانها را شامل مـی شـوند. اقتـصاددانان چنـین منابعی را **عوامل تولید** می نامند، زیرا به منظور تولید آن چیزهائی استفاده می‌شوند که مردم می خواهنـد. چیزهای تولید شده نیز **کالا** نامیده می‌شوند. کالاها را می توان به اجناس و خدمات تقـسیم کـرد. **اجنـاس** قابل لمس بوده (مثل اتومبیل و کفـش) و **خـدمات** غیرقابـل لمـس مـی باشـند (مثـل آرایـشگری یـا تحـصیلات). بـه مفهـوم تلـویحی ارزش مثبتـی کـه واژه‌های *کالا* و *خـدمات* در بـر دارنـد توجـه داشـته باشید. (واژه های *نامرغوب* و *خدمات بد* را با یکـدیگر مقایسه کنید).

scarcity	کمبود	consist of	شامل شدن
inevitable	اجتناب ناپذیر	minerals	معادن
consequences	عواقب	manufactured	به عمل آمده
forest	جنگل	factor	عامل
mental	معنوی	commodities	کالاها
tools	ابزار	goods	کالا، کالاها
desire	خواست	implication	مفهوم تلویحی
to be divided into	تقسیم شدن به	disservice	بدخدمتی، خدمت بد
tangible	قابل لمس، ملموس		
contained	در برداشته		

Goods and services are the means by which people seek to satisfy some of their wants. The act of making goods and services is called **production**, and the act of using them to satisfy wants is called **consumption.** For most people in most societies, goods, are not regarded as desirable in themselves; few people want to pile them up endlessly in warehouses never to be consumed. They are valued because people want the services they provide. An automobile, for example, helps to satisfy its owner's desires for transportation, mobility, and possibly status. For practical purposes, human wants may be regarded as limitless. An occasional individual may 'have everything'; but our capacity to generate new wants as fast as old ones are satisfied is well known to psychologists. For the overwhelming preponderance of the world's 4 billion human beings, *scarcity* is real and ever present. In relation to our desires (for more and better food, clothing, housing, schooling, vacations, entertainment, etc.), existing resources are woefully inadequate; there are enough to produce only a small fraction of the goods and services that we want.

کالاها و خدمات وسایلی هستند که مردم به واسطه‌ی آنها به دنبال برطرف کردن برخی از نیازهای خود هستند. عمل به وجود آوردن کالا و خدمات را **تولید** و عمل استفاده‌ی آنها جهت رفع نیاز را **مصرف** می نامند. برای بیشتر مردم در بیشتر جوامع، کالاها به خودی خود مطلوب شمرده نمی‌شوند؛ معدودی از افراد می‌خواهند آنها را به صورت نامحدودی که هرگز استفاده نشوند در انبارها انباشته سازند. دلیل ارزشمند بودن کالاها آن است که مردم طالب خدمات ارائه شده از سوی آنها هستند. برای مثال، یک اتومبیل به رفع نیاز صاحب خود از نظر حمل و نقل، تحرک و احتمالاً منزلت اجتماعی کمک می‌کند. در واقع ، نیازهای انسان می‌توانند نامحدود تلّقی شوند. ممکن است که یک فرد نوعی *' همه چیز داشته باشد'* ، اما ظرفیت ما برای ایجاد نیازهای جدید با همان سرعتی که نیازهای قدیمی تر برطرف می‌شوند، برای روانشناسان به خوبی شناخته شده است. کمبود برای کثرت چشمگیر ۴ بیلیون انسان، واقعی و همیشگی است. متأسفانه، منابع موجود نسبت به نیازهایمان (به غذا، لباس، مسکن، مدرسه، تعطیلات، تفریح و ... بیشتر و بهتر) کافی نیستند؛ آنها فقط برای تولید سهم ناچیزی از کالاها و خدماتی که ما می خواهیم کفایت می‌کنند.

means	وسایل	for practical purposes	در واقع
satisfy	برطرف کردن	in relation to	به نسبت
act	عمل	among	میان
regard	تلقی کردن، نگریستن	preponderance	کثرت، فزونی، فراوانی
warehouse	انبار	seek	جستجو کردن
practical	عملی ، کاربردی	wants	خواسته ها
occasional	اتفاقی، نوعی	consumption	مصرف
capacity	ظرفیت	desirable	مطلوب
limitless	بی‌پایان	transportation	حمل و نقل

Because resources are scarce, all societies face the problem of deciding what to produce and how to divide it among their members. Societies differ in who makes the choices and how they are made, but the need to choose is common to all.

Just as scarcity implies the need for choice, so choice implies the existence of cost. A decision to have more of one thing requires a decision to have less of something else. It is this fact that makes the first decision costly. We offer first a trivial example and then one that vitally affects all of us; both examples involve precisely the same fundamental principles.

Consider the choice that must be made by a small boy who has 10¢ to spend and who is determined to spend it all on candy. For him there are only two kinds of candy in the world: gumdrops, which sell for 1¢ each, and chocolates, which sell for 2¢. The boy would like to buy 10 gumdrops and 10 chocolates, but he knows (or will soon discover) that this is not possible. (In technical language it is not an *attainable combination* given his scarce resources.)

از آنجائی که منابع کمیاب هستند، همـه‌ی جوامـع بـا مشکل تصمیم گیری در مورد اینکه چه چیز باید تولیـد شود و چگونه باید در میـان اعـضاء آن جوامـع تقـسیم شود روبرو هستند. تفاوت جوامع در افرادی که انتخاب را انجام می دهند و نحوه‌ی انتخاب آنها می‌باشد، اما نیاز به انتخاب میان همه‌ی آنها مشترک است.

درست همان گونه که کمبود به نیاز بـه انتخـاب اشاره دارد، انتخاب نیز متضمن وجـود هزینـه اسـت. تصمیم گیری در باره‌ی داشتن بیش از یک قلم از هر چیز نیازمند تصمیم‌گیری درباره‌ی برخورداری کمتـر از یک چیز دیگر است. و این واقعیت است که تصمیم اول را پرهزینه می‌کند. ما ابتدا یـک مثـال پـیش پـا افتاده و سپس مثال دیگری را که به شدت بر همه‌ی ما تأثیرگذار است ارائه می‌دهیم ; هر دو مثال دقیقـاً اصول اولیه‌ی یکسانی را در بر می گیرند.

انتخاب پـسر کـوچکی را در نظـر بگیریـد کـه ۱۰ سنت دارد و مصمم است که همه‌ی آن را صرف آبنبات کند. برای او تنها دو نـوع آبنبـات در دنیـا وجـود دارد: پاستیل، که به قیمـت ۱ سـنت اسـت، و شـکلات، کـه قیمتش ۲ سنت است. پسر میل دارد که ۱۰ پاسـتیل و ۱۰ شکلات بخرد، ولی او می داند (یا بـه زودی خواهـد فهمید) که این ممکن نیست. (در زبان فنی ، بـا فـرض کمبود منابع او، این یک *ترکیب دست یافتنی* نیست.)

consider	درنظر گرفتن	imply	اشاره داشتن
determined	مصمم	require	نیاز داشتن
gumdrop	پاستیل	vitally	ضرورتاً
language	زبان	precisely	دقیقاً
combination	ترکیب	principles	اصول
shown	نشان داده شده	cost	هزینه
spend	خرج کردن	trivial	جزئی
candy	آبنبات	involve	دربرگرفتن، درگیرکردن
technical	فنی	fundamental	اساسی

به هر حال، چند ترکیب دست یافتنی وجود دارد که او می تواند بخرد: ۸ پاستیل و ۱ شکلات، ۴ پاستیل و ۳ شکلات، ۲ پاستیل و ۱ شکلات ، و غیره. در برخی از این ترکیب ها او نمی‌تواند پولش را خرج کند، و او علاقه ای به آنها ندارد. تنها ۶ ترکیب (همانطور که در نمودار ۱-۱ نشان داده شده است) هم دست یافتنی هستند و هم همه‌ی پولش را استفاده خواهد کرد.

پسر پس از تفکر دقیق، تقریباً مصمم شده است که ۶ پاستیل و ۲ شکلات بخرد، اما در لحظه‌ی آخر به سادگی تصمیم می‌گیرد که باید ۳ شکلات بخرد. این شکلات اضافی برای او چقدر هزینه بر می دارد؟ یک پاسخ به این پرسش ۲ پاستیل است.

او برای خرید شکلات اضافی همانطور که در نمودار ۱-۱ دیده می شود باید ۲ پاستیل را از دست بدهد. اقتصاد دانان این گذشتن از ۲ پاستیل برای دستیابی به شکلات سوم را به عنوان **هزینه‌ی فرصت** می‌نامند. هر زمان که یک نفر به علت کمبود مجبور به انتخاب شود، متحمل هزینه های فرصت شده است. این هزینه ها برحسب جایگزین های از دست رفته سنجیده می شوند.

There are, however, several attainable combinations that the might buy: 8 gumdrops and 1 chocolate, 4 gumdrops and 3 chocolates, 2gumdrops and 1 chocolate, and so on. Some of these combinations leave him with money unspent, and he is not interested in them. Only six combinations (as shown in figure 1-1) are both attainable and use all his money.

After careful thought, the boy has almost decided to buy 6 gumdrops and 2 chocolates, but at the last moment he decides that he simply must have 3 chocolates. What will it cost him to get this extra chocolate? One answer to this question is 2 gumdrops. To get the extra chocolate he must sacrifice 2 gumdrops, as is seen in Figure 1-1. Economists would describe his sacrifice of 2 gumdrops to obtain the third chocolate as its **opportunity cost**. Every time one is forced by scarcity to make a choice, one is incurring opportunity costs. These costs are measured in terms of foregone alternatives.

تفکر	thought	دست یافتنی	attainable
لحظه	moment	خرج نشده	unspent
اضافی	extra	نمودار، شکل	figure
بدست آوردن	obtain	دقیق	careful
متحمل شدن	incur	تقریباً	almost
برحسب	in terms of	به سادگی	simply
		از دست دادن، قربانی‌کردن	sacrifice
		مجبور شدن	to be forced
		از دست رفته	foregone

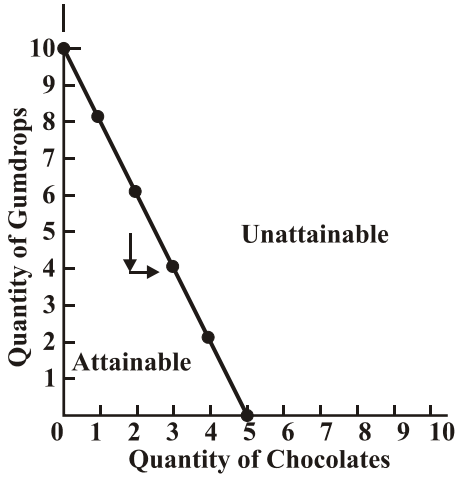


Figure 1-1 A choice between gumdrops and chocolates.

A limited amount of money forces a choice among alternatives. Six combinations of gumdrops and chocolates are attainable and use all of the boys money. The downwars- sloping line provides a boundary between attainable and unattainable combinations. The arrows show that the opportunity cost of 1 more chocolate is 2 gumdrops. In this example, the opportuninty cost is constant and therefore the boundary is a straight line.

Section 2: Economic Problems

Economic Problems

Many of the world's most compelling problems are economic. The dominant problem of the 1930s was the massive unemployment of workers and resources known as the Great Depression. The war – time economy of the 1940s solved that problem but created new ones, specially the question of how quickly to reallocate scarce resources between military and civilian needs. By the 1950s inflation was becoming a major problem in many countries. It is still with us. Much attention in the latter half of the 1960s was devoted to trying to combat a slowdown in the pace of economic growth. The central problems of the 1970s were the rising cost of energy- oil prices increased tenfold over the decade – and the emergence of the disturbing combination of high unemployment and high rates of inflation. Problems change from decade to decade, yet there are always problems.

مشکلات اقتصادی

بسیاری از گزیرناپذیرترین مشکلات جهان اقتصادی می باشند. مشکل عمدهٔ دههٔ ۳۰ بیکاری عظیم کارگران و منابع بود که به عنوان رکود بزرگ شناخته شد. اقتصاد زمان جنگ دههٔ ۴۰ آن مشکل را حل کرد اما مشکلات جدیدی ، به خصوص مسئلهٔ چگونگی تخصیص دوبارهٔ منابع کمیاب را به نیازهای نظامی و غیر نظامی خلق کرد. در طول دههٔ ۵۰ تورم داشت به صورت مشکل عمده ای برای بسیاری از کشورها در می آمد. آن هنوز هم یا ماست. در نیمهٔ دوم دههٔ ۶۰ توجه زیادی به تلاش برای مبارزه با کاهش سرعت رشد اقتصادی اخصاص پیدا کرد. مشکلات اصلی دههٔ ۷۰ هزینهٔ فزایندهٔ انرژی- قیمت نفت در طول آن دهه به میزان ده برابر افزایش یافت - و ظهور ترکیب نگران کنندهٔ بیکاری زیاد و نرخ بالای تورم بود. مشکلات از دهه ای تا دههٔ دیگر تغییر می‌کنند، ولی همیشه وجود دارند.

compelling	گزیر ناپذیر، الزام‌آور	disturbing	نگران کننده
massive	عظیم	rate	نرخ
depression	رکود	dominant	غالب
create	ایجاد کردن	unemployment	بیکاری
military	نظامی	solve	حل کردن
combat	مبارزه	reallocate	تخصیص دوباره‌ی چیزی
slowdown	کاهش	to be devoted	تخصیص یافتن
rising	فزاینده، رو به رشد	oil	نفت
decade	دهه	pace	سرعت
tenfold	ده برابر	emergence	ظهور

البتـه، همـه‌ی مـشکلات جـدی جهـان اصـولاً اقتـصادی نیـستند. اغلـب، مـسائل سیاسـی، زیـست شناختی، اجتماعی، و فلسفی فـراوان تـر هـستند. امـا صرف نظر از این که یـک مـشکل خـاص تـا چـه حـد «غیراقتـصادی» ممکـن اسـت بـه نظـر برسـد، تقریبـاً همیشه دارای یک بعد اقتصادی قابل توجه است.

بحران هایی که منجر به جنگ می شوند اغلب ریشه‌ی اقتصادی دارند. ملت ها برای نفت ، بـرنج و زمین می جنگنـد تـا بـه زنـدگی ادامـه دهنـد. اعراب و اسرائیل، به طور قطع، برای یک سرزمین آبا و اجدادی می جنگند ولی برای مراتع و مزارع، آب و مسیرهای حمل و نقل نیز می جنگند.

Of course, not all of the world's serious problems are primarily economic. Political, biological, social, cultural, and philosophic issues often predominate. But no matter how ' noneconomic' a particular problem may seem, it will almost always have a significant economic dimension.

The crises that lead to wars often have economic roots. Nations fight for oil and rice and land to live on. Arabs and Israelis fight for a homeland, to be sure, but also for pastures and farms and water and transportation routes.

crises (pl. of crisis)	بحران ها (جمع بحران)	combination	ترکیب
root	ریشه	inflation	تورم
fight	جنگیدن	serious	جدی
to live on	به زندگی ادامه دادن	political	سیاسی
pasture	چراگاه، مرتع	philosophic	فلسفی
route	مسیر	predominate	تسلط داشتن، فراوان تر بودن
lead to	منجر شدن	significant	قابل توجه، با اهمیت
nation	ملت	primarily	اصولا
homeland	وطن، سرزمین آبا و اجدادی	cultural	فرهنگی
to be sure	یقیناً، به طور قطع	issues	مسائل
transportation	ترابری، حمل و نقل	particular	خاص
		dimension	بعد

Race is not primarily an economic phenomenon, but the problem of racial discrimination has important economic effects on individuals and on the economy. It means untapped human talent. It means a waste of social resources. It means children growing up undernourished, undereducated, unqualified for good jobs, and hostile to an alien world.

Not very long ago Americans prided themselves on having the highest standard of living in the world and a rate of growth in the per capita output of goods and services that doubled living standards every generation. This happened most recently between 1946 and 1970. Between 1970 and 1975 the annual rate of growth dropped to half that of the 1946-1970 period, and from 1975 to 1980 it dropped to a third. From 1979 to 1982 there was no growth at all. As a result of these trends, America is no longer the world's richest country. A generation ago few Americans would have believed this possible.

نژاد اصولاً یک پدیده ی اقتصادی نیست، اما مشکل تبعیض نژادی اثرات اقتصادی مهمی بر افراد و اقتصاد دارد.تبعیض نژادی به معنای استعداد استفاده نشده ی انسان است. این امر اتلاف منابع اجتماعی را در پی دارد. تبعیض نژادی به این معناست که کودکان با سوء تغذیه، با تحصیلات ناتمام، فاقد صلاحیت برای مشاغل خوب و در خصومت با یک جهان بیگانه بزرگ می شوند.

امریکایی ها مدت کمی قبل به داشتن بالاترین استانداردهای زندگی در دنیا و بالاترین نرخ رشد در بهره وری کالاها و خدمات، که استانداردهای زندگی هر نسل را دو برابر می‌کرد، به خود می بالیدند. این تا همین اواخر بین سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۰ اتفاق می‌افتاد. نرخ رشد سالیانه بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ به نصف دوره‌ی ۱۹۴۶-۱۹۷۰ کاهش یافت، و از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ به یک سوم تقلیل یافت. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ هیچگونه رشدی وجود نداشت. در نتیجه ی این روند، امریکا دیگر ثروتمندترین کشور دنیا نیست. یک نسل پیش عده‌ی معدودی از امریکایی ها چنین چیزی را امکان پذیر می‌دانستند.

race	نژاد	mean	به معنی...بودن، دلالت داشتن بر، در پی داشتن
racial	نژادی	resources	منابع
individual	فرد	undernourished	گرفتار سوء تغذیه
talent	استعداد	unqualified	فاقد صلاحیت
waste	اتلاف	alien	بیگانه
grow up	بزرگ شدن	to pride oneself on something	افتخار کردن به چیزی
undereducated	تحصیل ناتمام	output	تولید، بازده، بهره‌وری
hostile	خصمانه، دشمن	generation	نسل
phenomenon	پدیده	not long ago	چند وقت پیش، مدت کمی قبل
discrimination	تبعیض	drop	کاهش یافتن
untapped	استفاده نشده، دست نخورده		